



## Personality types of women in Beyhaqi history based on Enyegram's point of view

Vahid Mobarak<sup>1</sup> | Parvin Sadegi<sup>2</sup>

1. Member of the scientific faculty of Razi University

2. Master's degree in Persian literature

Article Info	ABSTRACT
<b>Article type:</b> Research Article	typology of women in Beyhaqi's history, with emphasis on the nine classification of the Enneagram.
<b>Article history:</b> Received: Accepted:	Beyhaghi history shows a part of the court atmosphere in the fifth century. The eleven years of Masoud's rule is the full extent of this text, but as a result, other heroes have also entered the arena of Beyhaqi's history in order to show the aspect of creating space, characterizing and expressing Beyhaqi's theory of government and literary tendency. The women of this text often reveal their types in connection with the court and courtiers. The purpose of this descriptive-analytical essay, assuming the realism of Beyhaqi's writing and narration, is the typology of women in Beyhaqi's history, with emphasis on the nine classification of the Enneagram. The findings show that Beyhaghi, with the limitations of the subject and writing for the government, refused to fully address the identity and personality of women and only included five romantic categories: the sad, the boss, the perfectionist, the helper, and the observer. which were related to historical events or court affairs, in short, he has introduced that they correspond to Enneagram personality types. Because women in the Ghaznavid period have a limited, faint and transitory presence in social arenas, only women who were connected with the court and were present in the upbringing of elders, wisdom, influence on history, entertainment and political conspiracies. and are introduced. Beyhaqi's rejection and acceptance should be understood from these passing references.
<b>Keywords:</b> Enyegram's personality typology Beyhaqi history Personality types of women	

Citation: Mobarak, Vahid (1400). Personality types of women in Beyhaqi history based on Enyegram's point of view. Journal of Research in Narrative Literature,, 10 (3), 1-20. Publisher: Razi University,

Copyright © authors:Vahid mobarak

DOI:00000000000000000000000000000000



## تیپ‌های شخصیتی زنان در تاریخ بیهقی بر اساس دیدگاه انیه‌گرام

### وحید مبارک<sup>۱</sup> | پروین صادقی<sup>۲</sup>

۱. عضو هیات علمی دانشگاه رازی - نویسنده مسئول \*

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b></p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b></p> <p><b>واژه‌های کلیدی:</b>            تیپ‌شناسی شخصیت انیه-گرام            تاریخ بیهقی            تیپ‌های شخصیتی زنان</p>	<p>تاریخ بیهقی، بخشی از فضای دربار را در سده پنجم نشان می‌دهد. یازده سال حکومت مسعود، گستره کامل این متن است ولی به تبع آن قهرمانان دیگر نیز به عرصه تاریخ بیهقی وارد شده‌اند تا بتوانند جنبه فضاسازی، شخصیت‌پردازی و بیان نظریه حکومتی و گرایش ادبی بیهقی را نمایان سازند. زنان این متن، اغلب در پیوند با دربار و درباریان تیپ‌های خود را آشکار می‌سازند. هدف این جستار توصیفی-تحلیلی، با فرض واقع‌گرایی نویسنده‌گی و روایت بیهقی، تیپ‌شناسی زنان در تاریخ بیهقی، با تأکید بر طبقه‌بندی نه‌گانه انیه‌گرام است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیهقی با محدودیت‌های موضوع و نگارش برای حکومت، از پرداختن کامل به هویت و شخصیت زنان خودداری کرده و تنها پنج دسته رمانتیک محزون، رئیس، کمال‌طلب، کمک‌دهنده و مشاهده‌گر را که با وقایع تاریخی یا امور درباری ارتباط داشتند، به کوتاهی، معرفی کرده است که با تیپ‌های شخصیتی انیه‌گرام مطابقت دارند. چون زنان در دوره غزنوی، حضوری محدود، کم‌رنگ و گذرا در عرصه‌های اجتماعی دارند بناچار تنها زنانی که با دربار ارتباط داشته و در پرورش بزرگان، خردمندی، تأثیر بر تاریخ، خوشگذرانی و دسیسه‌چینی‌های سیاسی حضور داشته‌اند معرفی می‌شوند. رد و قبول بیهقی را از لابلای همین اشارات گذرا باید متوجه شد.</p>

استناد: مبارک، وحید (۱۴۰۰). تیپ‌های شخصیتی زنان در تاریخ بیهقی بر اساس دیدگاه انیه‌گرام. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۰ (۳).

وحید مبارک، پروین صادقی-نویسنده مسئول: وحید مبارک. ناشر: دانشگاه رازی. حق مؤلف © نویسنده‌گان. ۲۰-۱

DOI:00000000000000000000000000000000

## ۱. پیشگفتار

امروزه رابطه روانشناسی و ادبیات، رابطه دو نظام اندیشه است که با ساختار زبانی شده ناخودآگاه و با روان‌شناختی شدن متن، به یکدیگر نزدیک شده و امکان حصول نتایج بهتری را به نفع اثر و نویسنده فراهم کرده است چنانکه با تحلیل روانشناختی بخشی از معنای متن، و نیز زاویه‌ای از شخصیت نویسنده کشف و هم‌ابهامی از اثر، رفع می‌شود.

بی‌گمان، تاریخ و متن تاریخی، رمان و داستان نیستند ولی هرگونه روایت از واقعیت را می‌توان داستانی مستقل که تنها بخش‌هایی از آن واقعیت را منعکس می‌کند در نظر گرفت، ضمن اینکه رویکرد ادبیات به متون تاریخی بیشتر بر جنبه‌های زبانی و ساختی و معنایی تکیه دارد و تا حدودی از تحلیل جنبه‌های تاریخی متن فاصله می‌گیرد. (ر.ک: رضی، ۱۳۸۵: ۴۳؛ عطاردی، ۱۳۹۳: ۶۱) بیان واقعیت موجود و با تسامح، داستان واقعیت‌گرای تاریخی، تصویری عینی از چشم‌انداز اجتماعی و برداشت نویسنده از زندگی است چراکه نویسنده، فکر و اندیشه معینی درباره زندگی دارد و نحوه برخوردش با زندگی، فلسفه زندگی او را ترسیم می‌کند، در ضمن هر نویسنده‌ای، احساس و دریافت ویژه‌ای از زندگی دارد و این احساس صمیمانه با فکر و اندیشه او در ارتباط است. (ر.ک: یونسی، ۱۳۵۵: ۲۸، رضی، ۱۳۸۳: ۶) نویسنده اغلب، می‌کوشد آن اندیشه، نگرش و فلسفه زندگی خودش را در دل متن و اثر خویش بگنجانند.

به طور کلی، حادثه‌ای تاریخی و یک داستان واقعیت‌گرا، ترکیبی از اجزای سازنده آن است و برای درک و فهم آن ناگزیر از تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل دهنده آن هستیم. بناچار، مطالعه در تیپ‌های شخصیتی زنان و هویت و جایگاه آنان که از اجزای مهم آثار تاریخی و داستانی است و گاهی بخشی مهم از تاریخ و داستان را به خود اختصاص داده است، نشانگر کثرت یا قلت حضور و وجود تیپ‌های شخصیتی مختلف زنان در جامعه و نیز چگونگی دیدگاه نویسنده و مردم روزگار او، به زنان است و ما را در بازشناخت این طبقه و نیز فرهنگ و ادب ایران عصر بیهقی یاری خواهد کرد.

### ۱-۱. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های تحقیق، عبارتند از:

- کدام‌یک از تیپ‌های شخصیتی طبقه‌بندی انیه گرام در زنان تاریخ بیهقی وجود دارد؟
- دلیل توجه خاص بیهقی به تیپ‌هایی خاص از زنان و ذکر نشدن تیپ‌ها و گروه‌های دیگر چیست؟

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های مرتبط با جستار حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد: خدیور و انصافی سرور (۱۳۸۴) به بررسی چهره زنان در شاهنامه و تاریخ بیهقی پرداخته و زنان حاضر در تاریخ بیهقی را به ۵ گروه سیاستمدار، پارسا و پرهیزکار، شجاع و حکیم، دسیسه‌گر و اهریمن‌خو و زنان مطربه اما منع روایت بیهقی تقسیم کرده‌اند. کهدویی و حسینی (۱۳۸۴) شخصیت زن را در تاریخ بیهقی بررسی کرده‌اند و اعلام کرده‌اند که زنان نقش چندان موثر و اساسی در تاریخ بیهقی و دوره غزنوی ندارند و بیشتر وجه‌المصالحه سازش و صلح در جنگ‌ها و کدورت‌های میان امیران، یا محصور در حرمسراها و برای خوشگذرانی، و گاهی هم خرافاتی و زمانی نیز شجاع و بی‌باک معرفی شده‌اند. رضی (۱۳۸۵) معتقد است که رعایت مقتضای حال مخاطب و موضوع، سبب شده است که بیهقی در نوشتن تاریخ به داستانوارگی و ساختار ادبی و بلاغی روی بیاورد تا بتواند تاثیر بیشتری بر خواننده بگذارد. سپهریان (۱۳۸۹) به ساخت پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر دیدگاه انیه‌گرام کرده است که می‌توان از پاسخ آن پی به تیپ شخصیتی افراد پاسخگو برد. رضوانیان و محمودی‌نوسر (۱۳۹۲) معتقدند که تاریخ بیهقی با اینکه نام تاریخ دارد به دلیل رویکرد ادبی و هنری نویسنده به تاریخ، به حوزه ادبیات راه یافته است. پارسا و مرادی (۱۳۹۲) تیپ‌های شخصیت‌های داستان‌های صادق هدایت را استخراج کرده‌اند. عطاردی (۱۳۹۳) تاریخ بیهقی را به دلیل انعکاس بخش گسترده از وقایع زندگی شخصی و حرفه‌ای و اجتماعی بیهقی، یک زندگی‌نامه خودنوشت دانسته است. عابدی (۱۳۹۴) غلبه طرح تیپ‌های دروغین و مزور شخصیت‌های مذهبی و کنار گذاشتن مذهبیان راستین را در رمان معاصر، تحت تاثیر نگرش دین‌ستیز غربی دانسته است. حاج‌بابایی (۱۳۹۴) برخلاف محققانی چون خالقی مطلق معتقد است که تاریخ بیهقی بخش گم‌شده یا ناچیز شده ندارد و بخش موجود تمامی اثر بیهقی است و وی تنها طرحی برای نوشتن تاریخ محمود و جانشینان مسعود داشته که به دلایلی نامعلوم از انجام آن بازمانده است. رضایی و همکاران (۱۳۹۶) تیپ پادشاه داستان پادشاه و کنیزک مثنوی را تیپ حاکم و رئیس مشخص کرده‌اند. مبتنی بودن این مقاله بر اساس نظریه انیه‌گرام و تیپ‌شناسی زنان تاریخ بیهقی، نکته تفاوت این نوشته با تحقیق‌های پیش‌گفته است. تحقیق مستقل مشابه با عنوان جستار حاضر دیده نشد.

## ۱-۳. روش پژوهش و چارچوب نظری

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و هدفش تطبیق دادن تیپ‌های مختلف زنان تاریخ بیهقی با دیدگاه

اینه گرام است.

باید گفت که تاریخ بیهقی به دلیل محوریت نداشتن موضوع زنان در آن و طرح گذرای کارها و رفتارهایشان و بخصوص نوشته شدن در دربار و انعکاس مسایل تاریخی، درباری و حکومتی، نمی تواند نماینده تمام عیار زنان عصر بیهقی باشد ولی دست کم، نمونه و الگویی از آن را به دست می دهد. البته بیهقی به اثرگذاری بر مخاطبان و خوانندگان خویش اهمیت می دهد (چنانکه در آوردن داستان های پیشین و از جمله داستان ذوالیمینین بدان اشاره کرده است) به همین خاطر، چون ادیبی برجسته، شیوه های شخصیت پردازی و سخن پرور ادبی را به کار می گیرد و دیدگاهش را نسبت به زنان و تیپ های آنان، آشکار می کند. برای نمونه استفاده از برای زنان برای جاسوسی و یا کشف اسرار و حقایق از طریق رفتار و سخنان آنان یا القای تصورات ویژه به کمک ایشان به کارگردانان عرصه تاریخ را، بخشی از کارکردی می بیند که زنان به واسطه تیپ و شخصیت شان عهده دار آن می شوند.

شخصیت و شخصیت پردازی از عناصر بسیار پراهمیت هر داستان و روایت تاریخی به شمار می رود. هر چند که تاریخ بیهقی داستان نیست ولی روایت های بیهقی دارای رویکردی ادبی هستند و علل رفتارها و کارهای شخصیت هایش، گزارش و توضیح داده می شود. میرصادقی (۱۳۸۸: ۸۴) در تعریف شخصیت می نویسد: «اشخاص ساخته شده ای را که در داستان و نمایشنامه و ... ظاهر می شوند، شخصیت می نامند». بنابراین می توان استنباط کرد که شخصیت ها توسط فکر نویسنده ساخته و پرداخته می شوند. این نکته در مورد واقع نگاری تاریخی هم می تواند صدق کند چرا که نویسنده واقعه و رخدادی را با دریافت و نگرش و زاویه دید خودش می بیند و می شنود و به روایت مهم ترین بخش های آن می پردازد، سخن او، روایت و تصویری عینی از آن واقعیت است نه خود آن اتفاق و رخداد، و ممکن است با برداشت و روایت فردی دیگر از همان رخداد تفاوت یا تفاوت بنیادین داشته باشد.

پراین (Prine Laurence) (1974. P 67) معتقد است که: «نویسنده باید با تمام توان به پرداخت کامل و دقیق هر شخصیت در داستان پردازد» و «بیشتر نظریه پردازان ادبی بر این اعتقادند که شخصیت اساسی ترین رکن داستان و حکایت است» (بی نیاز، ۱۳۸۷: ۶۸). اگر تاریخ بیهقی را رمانی تاریخی تصور کنیم شخصیت محوری تاریخ بیهقی مسعود است و بیهقی شخصیت مسعود را به تمام کمال نشان داده است. البته کسانی چون احمد حسن، بونصر مشکان و... نیز به خوبی معرفی شده اند.

بررسی تیپ های شخصیتی در متون ادبی می تواند موضوع تحقیق جامعه شناسی ادبی یا نقد روانشناختی قرار گیرد. به عبارت دیگر، می توان شخصیت های تاریخی و داستانی را از نظر جامعه شناسی مطابق روش

تیپ‌های سه گانه: حاکم، متوسط و کارگر مورد بررسی قرار داد (ر.ک: ادیبی، انصاری، عبدالمعبود، ۱۳۷۳: ۱۳۶) و یا از نظر مطالعات روانشناختی مطابق روش فروید، آیسنک، یونگ، آیزنک، شلدن، گوردجیف

Hance.j.isenk-carl gung-hans jugen eysenck -sheldon-- sigmund freud(ivanovich gurjeiff)

شخصیت‌های تاریخی و داستانی را بررسی کرد. با توجه به این که نظریه روانشناختی گوردجیف که به تیپ‌شناسی شخصیتی انیه گرام مشهور است، نسبت به روش‌های دیگر جزئی‌نگرتر، دقیق‌تر و جدیدتر است، در این پژوهش، چارچوب نظری قرار گرفت.

### ۱-۳. تیپ‌شناسی شخصیتی انیه گرام<sup>۱</sup>

یکی از نظریه‌های تیپ‌شناسی شخصیت از منظر روانشناسی که دقیق‌تر، به شخصیت‌ها و تیپ‌های شخصیتی پرداخته است، روش انیه گرام (ennea gram) (گوردجیف) است. انیه گرام ساختاری است که یک پژوهشگر یونانی- روسی به نام ایوانوویچ گوردجیف، مطرح و تیپ‌های شخصیتی را این چنین طبقه‌بندی کرده است:

۱- کمال طلب ۲- کمک‌گرا و دهنده ۳- موفق و بازیگر ۴- رماتیک محزون ۵- مشاهده‌گر و فکور ۶- وفاجو و وفاخو ۷- خوشگذران ۸- رییس ۹- میانجی. البته، ممکن است افرادی دارای ویژگی‌های دو یا چند طبقه باشند یعنی هم کمال طلب باشند و هم وفاجو و وفاخو باشند و هم ویژگی‌های رییس را داشته باشند.

### ۱-۳-۱. ویژگی‌های افراد کمال طلب

افراد تیپ کمال طلب از نظر اخلاقی، قوی هستند و از خود و دیگران انتقاد کرده و از واژه‌های باید و حتماً خیلی استفاده می‌کنند. منظم، جدی و خشک، تمیز و مرتب، دقیق و وقت‌شناس و خوش‌قول و... هستند.

### ۱-۳-۲. ویژگی افراد کمک‌گرا و دهنده

افراد این تیپ می‌خواهند ما و ا و پناه همه باشند. دست‌ودل‌باز هستند و می‌خواهند تأیید شوند. از تنهایی می‌ترسند؛ چون در تنهایی کسی نیست که تأییدشان بکند. مغرورند؛ چون فکر می‌کنند همه به آنها نیازمندند.

### ۳-۳-۱. تیپ سه: بازیگر (موفق و موفقیت طلب)

افراد تیپ سه خود را هم‌رنگ جماعت می‌کنند. از جمله خصوصیات آنها خوش‌فکری، خونسردی و موفق بودن است. در متقاعد کردن دیگران استادند. بیشتر اهل عمل‌اند تا حرف. رهبری و همه‌کاره‌شدن را دوست دارند.

### ۳-۳-۴. ویژگی‌های افراد فردگرا، رمانتیک محزون

تیپ چهار به تیپ افسرده مشهورند؛ هر روز خلّقی متفاوت دارند. نیمه خالی لیوان را می‌بینند و زیاد در خود فرو می‌روند. غم خود را به شادی دیگران ترجیح می‌دهند؛ زیرا فکر می‌کنند که غم‌شان از روی آگاهی است. همیشه ناراضی‌اند. کمتر در زمان حال و بیشتر در زمان گذشته و آینده سیر می‌کنند. در ارتباط با جنس مخالف با رقیبان‌شان رقابت می‌کنند و می‌ترسند کسی در نظر زوجشان جذاب‌تر از ایشان جلوه کند. احساس خود را در هنر رقص و تئاتر و ادبیات نشان می‌دهند.

### ۳-۳-۵. ویژگی‌های افراد مشاهده‌گر و فکور

افراد این تیپ قبل از عمل فکر می‌کنند؛ همیشه از جزئیات سؤال می‌کنند؛ توانایی فکری قوی دارند و بدون هیچ چشم‌داشتی به دیگران کمک می‌کنند. سر از هر چیزی درمی‌آورند. اغلب خشک و سرد و مغرورند.

### ۳-۳-۶. ویژگی‌های افراد وفاخو و وفاجو

افراد این تیپ محافظه‌کارند؛ چون در شک و دودلی‌ها نمی‌توانند زود تصمیم بگیرند. این افراد، همیشه نیمه خالی لیوان را می‌بینند و تاریک‌ترین وضعیت را پیش‌بینی می‌کند. برای دیگران موقعیت موفقیت را ایجاد می‌کنند تا نیروهای پشتیبانی برای خود پیدا کنند.

### ۳-۳-۷. ویژگی‌های افراد خوشگذران

افراد این تیپ، زندگی را در لذت خویش جستجو می‌کنند و خوش‌بین و نشاط‌انگیزند. خصوصیات بارز این افراد، طنازی، شوخ‌طبعی و خوشحال بودن است و برای همراهی خوبند. اینان پیروان نظرات اپیکورند؛ یعنی، زندگی عاقلانه را زندگی پر لذت می‌دانند. در خوردن، آشامیدن و لذات جنسی افراط می‌کنند. اعتماد به نفس بالایی دارند؛ و درگیر احساسات نمی‌شوند.

### ۳-۳-۸. ویژگی‌های افراد رئیس، رهبر و مدیر

افراد این تیپ دارای قدرت بدنی هستند. به هیچ کس جز خودشان اعتماد نمی‌کنند. اگر کسی ضعیف باشد، او را حمایت می‌کنند. زندگی بدون درگیری برایشان کسالت‌آور است. از دیگران درخواست‌های

اخلاقی دارند اما خودشان رعایت نمی‌کنند. به ورزش‌های رزمی علاقه دارند.

### ۹-۳-۱. ویژگی‌های افراد میانجی، صلح‌جو و صلح‌طلب

این افراد به تیپ‌های سه و شش‌گرایش دارند؛ چون هم مظهر موافقت‌اند و هم ضد مراجع قدرت. این افراد میان توجه خواستن از دیگران و تمایل به دیگران در تناقض و تضاد هستند. خوب کار می‌کنند ولی مایل به کسب شهرت نیز نیستند. تمایل شدیدی به حفظ صلح دارند. تنبلی تنها گناه افراد این تیپ است (ر.ک: پارسا، مرادی، ۱۳۹۲: ۷۹؛ دقیقیان، ۱۳۸۷: ۸۷-۲۵۹؛ آهنگر، ۱۳۸۵: ۲۴-۱۱۰؛ رضایی و همکاران،

۱۳۹۶: ۱۶۹؛ عابدی، ۱۳۹۴: ۱۰۹؛ سپهریان، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

«طبقه‌بندی انیه‌گرام قدرت، ضعف، عادت‌ها و پاسخ‌های نهان انسانی را به تصویر می‌کشد و محاسبات دنیای درون فرد را براساس آنچه او انجام می‌دهد، مشاهده می‌کند. براساس این تیپ‌شناسی، انسان‌ها با الگوهای مشخصی به دنیای خویش می‌نگرند و سپس از طریق آن به تفسیر جهان می‌پردازند. این الگوها موجب می‌شوند که فرد به اطلاعات و مسائل معینی توجه کند و معمولاً برخی دیگر از اطلاعات را نادیده بگیرد (سپهریان آذر و قلاوندی، ۱۳۹۰: ۱۶۴؛ به نقل از آرتور، ۲۰۰۸)

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

### ۱-۲. وضعیت زنان در عصر بیهقی

وضعیت زنان در ایران بعد از اسلام دستخوش تغییر و تحولات بسیاری بوده است. در دوره‌ای که ترکان حکومت را به دست گرفته بودند با دو رویکرد سالاری زن و به حاشیه‌راندگی او، مواجه می‌شویم: نخست اینکه، اقوام ترک در سرزمین‌های اولیه خود، با آداب و رسوم بومی که داشته‌اند، به زن اهمیت زیادی می‌داده‌اند. زن پایه‌پای مرد به کار و تلاش می‌پرداخت و در واقع چرخ اقتصادی به وسیله زن به حرکت درمی‌آمد. بنابراین در بین قبایل ترک در آن روزگار مسئولیت‌های مهمی به زنان واگذار شده بود؛ اما با نفوذ بیشتر اسلام به سرزمین‌های آسیای مرکزی و ارتباط نزدیک اعراب و ایرانیان، فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی - ایرانی و عربی در بین ترکان رواج پیدا کرد و ترکان مسلمان شده، تحت تأثیر فرهنگ و تمدن اقوام ایرانی و اعراب قرار گرفتند. بنابراین، در این دوره، بسیاری از آداب و رسوم موجود در میان قبایل ترک، جای خود را به آداب و سنن قوم غالب (اعراب و...) می‌دهند و قوم مغلوب در این موارد مطیع قوم غالب می‌گردد (سیف و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۲). زنان نیز، تابع شرایط محیط می‌گردند و پس از اسکان در شهرها و اختلاط و آمیزش با شهرنشینان و بخصوص زندگی در حرم‌سراها، محصور می‌گردند و سالاری و امکانات سابق خود را از دست می‌دهند، گذشته از این، به جهت وضع خاصی که



در نحوه حکومت ترکان پیش می‌آید، غلامان، قدرت واقعی را به دست می‌گیرند و زنان از جهات مختلف جای خود را به مردان می‌بخشند و مردسالاری، تنها اجازهٔ حضوری محدود و کمرنگ در عرصه‌های مختلف برای ایشان باقی می‌گذارد. زنان این دوره به طور غیرمستقیم بر جامعه و سیاست روز تأثیر می‌گذاشته‌اند و تعداد کسانی که بتوان گفت به طور مستقیم، و در عمل، بر اوضاع جامعه تأثیر گذار بوده‌اند، بسیار کم است.

## ۲-۲. زن در تاریخ بیهقی

دوره غزنویان دورهٔ سالاری زنان نیست و از کتاب تاریخ مسعودی که آینه زمان خویش است، نمی‌توان انتظار داشت تا مطالب سرشار و فراوان در بارهٔ زنان و کارهایشان ارائه کند. اما مادر حسنگ و مادر عبدالله بن زبیر، حرهٔ ختلی و دیگر خواهران محمود، خانواده و حرمسرای مسعود، زن پارسای بایتگین «والی زمین داور»، زنانی که وجه‌المعاملهٔ قراردادهای صلح و دوستی می‌شوند، بانوان پارسا و کاردان، زنان موثر در دسیسه‌ها و کنیزان، از مهم‌ترین زنان مطرح شده در تاریخ بیهقی هستند. خردمندی، کار دیده بودن زنان، باسواد بودن، هنرمندی و به ویژه پارسایی آنان از جمله خصوصیات است که بیهقی توجه ویژه بدانها داشته است (ر.ک: بیهقی، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۵-۱۷۹-۲۷۳).

البته خود بیهقی نیز عرصه تاریخش را برای حضور زنان باز نگذاشته است و آوردن این سخن بزرگمهر: «دور باشید از زنان که نعمت، پاک بستاند و خانه‌ها ویران کنند؛ هر که خواهد زنش پارسا ماند، گرد زنان دیگر نگرده» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۷۳)، نشان از موافقت بیهقی با گفته بزرگمهر در تقلیل جایگاه زنان دارد؛ چرا که بعد از آوردن جمله، توضیح یا اعتراضی که دال بر عدم قبول مطلب باشد، دیده نمی‌شود. دبیر درگاه غزنوی، گاهی برخی از زنان را افرادی خرافاتی می‌داند که از خرافات و حيله‌ها برای خود دکانی دارند (ر.ک: بیهقی، ۱۳۸۴: ۸۹۶).

البته، نحوه نگرش بیهقی نسبت به زنان متفاوت و گسترده است، از تمایز گذاردن و احترام تا تحقیر و اهانت. نام تعدادی از افراد و زنان تاریخ بیهقی (مثل سنی زرین و...) فقط بر حسب کار یا خبردار بودنشان از حرمسرا یا سرّی مطرح می‌شود. این افراد شامل صنعتگران، خادمان، و عروسان اشراف‌زاده می‌باشد (امیرسلیمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴؛ سیف و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۳).

در چند جا بیهقی تحت تأثیر شرایط زمان، به تفاوت بین زن و مرد و پایین بودن زنان از مردان اشاره می‌کند. در آنجا که از مادر حسنگ گفتگو به میان می‌آورد، با آن که او را بسیار می‌ستاید، می‌گوید: «میان مردان و زنان، تفاوت بسیار است». (بیهقی؛ ۲۴۰) و در جایی دیگر حدیثی از پیغمبر (ص) نقل می‌کند

که: «چون کسری پرویز، مُرد، خبر به پیغمبر بردند، گفت: من استخلف؟ قالوا بنته بوران دخت، قال علیه السلام: لن یصلح قوم اسندوا امرهم الی امراه. این دلیل بزرگ‌تر است که مردی شهم کافی محتشم باید ملک را که چون بر این جمله نباشد، مرد و زن یکی است» (تاریخ بیهقی، ۱۳۸۴: ۲۶۸). بیهقی در چارچوب نظریهٔ حکومتی‌اش، حکومت خردمندان را می‌پذیرد و اگر زنان را شایسته حکومت نمی‌داند به این معنی است که به شکل ضمنی بر خردگرایی آنان ایراد می‌گیرد.

بیهقی، از ظاهر و ترکیب زنان، به علت پوشیده بودن و در حرمسرا جای داشتن آنان، و این که تا چه حد در زندگی همسرانشان مؤثرند، ذکری به میان نیاورده است. خاتونان (مثل دختر قدرخان)، چون هدیه‌ای از جانب سلطانی، به سلطان دیگر واگذار شده، و سپس در گوشه‌ای، محصور حرمسرا شده، و فراموش گشته، تلقی می‌شده‌اند. در پاسخ به دلیل توجه خاص بیهقی به تیپ زنان رییس و خردمند و پارسا باید گفت که اگر دو بخش مهم اجتماع یعنی مردم و حکومت را در نظر بگیریم توجه و رویکرد اثر بیهقی به‌خاطر سفارشی بودن به دربار و حکومت است و چون حکومت غزنویان بر مبنای زور و استیلا و با غلبه بر سامانیان و مردم ایران بنیاد گذاشته شده است، مردم معمولی در این تاریخ و اغلب تاریخ‌های دیگر تنها برای سیاهی لشکر شدن و چریک جنگ‌ها گشتن، حضور پیدا می‌کنند. زنان نیز بخشی از اجتماع هستند و بیهقی به‌ناچار به معرفی آن دسته از زنان روی آورده که در ارتباط با دربار و حکومت بوده‌اند و مثل حرّهٔ ختلی در انتقال قدرت یا اتفاقات مهم سیاسی نقش بازی کرده و یا از نزدیک شاهد آن بوده‌اند. گویا زنان مورد پسند بیهقی که بدون دخالت در سیاست فقط بخاطر هشیاری و پارسایی و شجاعت از ایشان سخن گفته می‌شود افراد مورد تایید بیهقی بوده‌اند و وی تاثیر این زنان در پرورش فرزندانشان که وزیر یا سردار و... هستند سخت دخیل و موثر می‌داند. به دلیل کمبود گفتگوها و نبود گفتارگذاری‌های زنان در تاریخ بیهقی، جز در قصه‌های فرعی و نامه‌نگاری‌ها که محدودیت‌های خاص خودش را دارد، نمی‌توان به هویت زنان دست یافت. ضمن اینکه، عرصهٔ مختصر و مفید اثر بیهقی هم این اجازه را به او نمی‌داده که همه تیپ‌ها را معرفی کند و به همین دلیل‌ها، تیپ‌هایی چون بازیگر و خوشگذران در تاریخ بیهقی حضور ندارند.

شاید از مطالعه سیمای زنان تاریخ بیهقی نتوان به رابطهٔ علی و معلولی و طرح کلی حاکم بر این اثر دست یافت ولی؛ پس از خواندن اثر، متوجه می‌شویم که بیان حوادث مختلفی چون شرابخواری‌ها، خوشگذرانی‌ها (خیشخانهٔ هرات و...)، دهن‌بینی‌ها، دشمن تراشی‌ها در مبارزه با پدربیان بخصوص خوارزمشاه آلتون‌تاش، گرفتن اموال صلتی، بردار کردن‌های ناروا و نادرست، پراکندن سپهسالاران و

کشتن کسانی چون علی قریب و... برای این بوده است که دلیل و علت بر باد رفتن مسعود و حکومتش را بیان کند.

### ۳-۲. تیپ‌شناسی شخصیت زنان تاریخ بیهقی بر اساس طبقه‌بندی انیه‌گرام

باید توجه داشت که قهرمانان زن در تاریخ بیهقی تنها در برخی از صحنه‌ها و داستان‌ها حضور می‌یابند و سپس به کنار می‌روند و ناچار باید از لابلای همین حضور اندک پی به شخصیت آنها برد.

#### ۱-۳-۲. تیپ کمال‌طلب و رییس

بر اساس نظریه گوردجیف، یکی از بارزترین تیپ‌های شخصیتی زنان مطرح شده در تاریخ بیهقی که در عهد غزنویان می‌زیسته‌اند و از همان ابتدای تاریخ بیهقی نمود پیدا می‌کند، تیپ کمال‌طلب، رهبر و مدیر می‌باشد. حُرّه ختلی (عمه مسعود) و مادر حسنک سرآمدان این تیپ می‌باشند که افرادی سیاستمدار و صاحب نفوذند. این افراد قوی هستند و احساس مسئولیت می‌کنند. دوست دارند شرایط را تغییر دهند تا نشان دهند که قدرت دارند و جدال برایشان لذت‌بخش است. بیهقی با برجسته کردن نامه فرستادن حُرّه ختلی به مسعود، به ترسیم شخصیت عمه مسعود و چگونگی فضای حاکم بر دربار و پایتخت (غزنین) می‌پردازد:

در مجلدات باقیمانده تاریخ بیهقی، مداخله حُرّه ختلی، زمانی در سیاست آغاز می‌گردد که در نامه‌ای که پس از درگذشت محمود، به مسعود می‌نویسد، مسعود را از کارهای برادرش محمد، باخبر می‌کند و او را برای رسیدن به سلطنت فرامی‌خواند. مضمون این نامه چنین است: «خداوند ما سلطان محمود، نماز دیگر، روز پنجشنبه، هفت روز مانده بود از ربیع الاخر گذشته شد، رحمه الله، و روز بندگان پایان آمد، و من با همه حرم به جملگی بر قلعت غزنین می‌باشیم، و پس فردا مرگ او را آشکار کنیم،... و کارها همه بر حاجب علی می‌رود. و پس از دفن، سواران مسرع رفتند، هم در شب به گوزگانان تا برادر محمد به زودی این جا آید، و بر تخت ملک نشیند، و عمت به حکم شفقت که دارد بر امیر فرزند، هم در این شب به خط خویش ملطفه نشت، فرمود تا سبک‌ترین دو رکابدار را که آمده‌اند، پیش از این به چند مهم، نزدیک امیر نامزد کنند، تا پوشیده با این ملطفه از غزنین بروند، و به زودی به جایگاه رسند، و امیر داند که از برادر این کار بزرگ بر نیاید، و این خاندان را دشمنان بسیارند، و ما عورات و خزائن به صحرا افتادیم. باید این کار به زودی گیرد که ولیعهد پدر است، و مشغول نشود، بدان ولایت که گرفته است، و دیگر ولایت بتوان گرفت، که کارها از لونی دیگر گردد، و اصل غزنین است، و آن گاه خراسان و دیگر همه فرع است. آنچه نبشتم نیکو اندیشه کند، و سخت به تعجیل بسیج آمدن کند، تا این تخت ملک

و ما ضایع نمایم و به زودی قاصدان را بازگرداند، که عمّت چشم به راه دارد، و هر چه این جا رود، سوی وی نبشته می آید» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۱۲).

به خوبی آشکار است که این زن، در به سلطنت رسیدن مسعود نقش مهم و مؤثری به عهده داشته است. علاوه بر این که او را تشویق به این کار می کند، منتظر واکنش او است و به اصرار، این امر مهم را از وی می خواهد. پنهان نگاه داشتن مرگ محمود و بیان ناتوانی امیر محمد در پادشاهی، داشتن دشمنان بسیار و همراه داشتن خزائن دولتی، نکاتی بسیار مهم هستند که دخالت او را در امور سیاسی پایتخت، آشکار می سازند. وی تا پایان حکومت مسعود، مورد اعتماد وی باقی می ماند و بخصوص در انتقال خزاین و دور داشتن آنها از دست دشمنان نقشی اصلی را ایفا می کند. حُرّه ختلی به هنگام سلطنت مسعود در سفر و حضر همراه وی بوده و این خود از دلایلی است که اهمیت او را در سیاست زمان و پیوستگی وی را به مسعود ثابت می کند. در جای دیگر، وقتی مسعود و سپاهیان پس از نبرد نهایی دندانقان، با جامگان پاره و شرمسار، به غزنین برگشتند، حُرّه ختلی و دیگر زنان خویشاوند سلطان برای آنها جامه فرستادند. حُرّه ختلی با نوشتن نامه تشویق و پند، مسعود را به کار و عمل فرامی خواند و بعدها، وقتی اوضاع برای مسعود به وخامت گرایید، او به همراه دیگر زنان، مسعود را از چشم های جهانیان محفوظ و ایمن نگه داشت. حُرّه ختلی در هر دو مورد، قدرت نمادینی چون روسا دارد (نیز ر.ک: امیر سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

اعمال، دیدگاه ها و عملکرد و پند و اندرزهای او، نشان دهنده تیپ کمال طلب می باشد.

از مادر مسعود فقط در دو مورد اسم برده می شود: یکی هنگامی که محمود در گذشته و محمد به تخت نشست، نامه ای به مسعود می نویسد و خبر فوت شوهرش را می دهد (بیهقی، ۱۳۸۴: ۱۸). و دیگر زمانی که مسعود از غزنین به بلخ می رود تا احوال خانان ترکستان را از نزدیک مطالعه کند، بیهقی ذکر می کند که مادر سلطان نیز جزء سایر زنان همراه وی بود (بیهقی، ۱۳۸۴: ۷۷).

### ۲-۳-۲. تیپ پارسا و پرهیزکار

گروه بعدی زنانی که در تاریخ بیهقی مطرح می شوند، زنان پارسا و پرهیزکار، خانه دار و خوابگزار، شجاع و خردمند می باشند که بیشتر از هر گروه دیگری، تایید قلبی و نهانی بیهقی را بسوی خود جلب کرده اند. نمونه زنی که تمام این ویژگی ها را دارا باشد، جدّه عبدالغفار است؛ البته ریحان خادم و زن بایتگین، مادر حسنک وزیر، مادر عبدالله زبیر و مادر بونصر مشکان هم در این طبقه قرار می گیرند. البته افزودنی است که مریدی تمام عیار بیهقی به بونصر مشکان که تنها در خرید زمین های روستایی، به ثمن بخش، خدشه دار می شود، با تعریف راستین از مادر بونصر به کمالش نزدیک تر می گردد. این افراد از

نظر اخلاقی بسیار قوی هستند و به جا حرف می‌زنند، شجاع و حکیم و خردمند و جدی و خشک هستند، تمیز و نظیف‌اند، دقیق و وقت‌شناسند، خوش قول‌اند و دانش آموخته. این متن توصیفی از عملکرد و شیوه گفتار اوست:

جده عبدالله غفار زنی پاکدامن بود که به مناسبت‌های مختلف سلطان مسعود را نصیحت می‌کرد. حتی او خوابی را که مسعود دیده بود تعبیر کرد و به ولیعهد جوان سفارش کرد که حوادثی بزرگ برایش رخ خواهد داد. مسعود در خواب دیده بود که طاووسان و مرغان محاصره‌اش کرده‌اند و او آنها را می‌گیرد و زیر قبایش می‌گذارد. وقتی مسعود از این پیرزن تفسیر خوابش را پرسید، او چنین پاسخ داد، «ان شاء الله امیر امیران غور و غور را بگیرد و غوریان به طاعت در آیند» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). مسعود هنگامی که لشکر غور را شکست داد، این تعبیر را به یاد آورد، به عبدالغفار گفت: «جده تو نیکو تعبیر کرد و همچنان راست آمد». به نظر می‌رسد که وی با این تعبیر، جهت لشکرکشی مسعود را برایش تعیین کرده و با این کار در سیاست دخالت غیرمستقیم نموده است.

بیهقی، از مادر حسنک وزیر با لفظ جگرآور یاد می‌کند یعنی دلاور و دلیر. توصیف احوال او هنگام شنیدن خبر مرگ فرزند و بر سردار دیدن او، بخشی از توانمندی دلاورانه وی را پدیدار می‌سازد که جلوه‌ای از آن را، به پسرش به ارث داده و همین دلاوری، خود را در گفتگوی حسنک وزیر با بوسهل زوزنی نشان می‌دهد. وقتی خبر بر دار کردن فرزندش را به او می‌دهند، بی‌تابی و زاری نمی‌کند و فقط به درد می‌گیرد آن هم به گونه‌ای که اطرافیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او شجاعت و حکمت را با هم دارد. وی پس از تمجید و تحسین فرزندش کلامی بس ژرف و حکیمانه بر زبان می‌راند که به راستی جهانی معنی در لفظی اندک است. وی می‌گوید: «پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان»، در این کلام گذشته از حکمت، اعتقاد به معاد و جزای الهی نهفته است و به شکل ضمنی، محکومیت مسعود را که با به ناحق ریختن خون حسنک، جانی و گناهکار شده است، بیان می‌دارد؛ و یا در داستان کشته شدن عبدالله زبیر، بیهقی در بیان این داستان با تکریم و نیکی از سخن و رفتار مادر عبدالله (اسماء) یاد می‌کند: هنگامی که عبدالله زبیر از دل واپسی‌اش برای مادر سخن گفت که حجاج پس از کشتن او را مثله خواهد کرد، مادر پاسخ داد «چون گوسپند را بکشند از مثله کردن و پوست باز کردن دردمش نیاید». (بیهقی، ۱۳۹۰: ۲۳۷)

بیهقی حیرت خود را نسبت به رفتار اسماء به هنگام وداع با پسرش بیان می‌کند و می‌گوید: «چنان که گفتم او را به پالوده خوردن می‌فرستد». (بیهقی، ۱۳۹۰: ۲۳۸) این بهت و حیرت زمانی افزایش می‌یابد

که بیهقی از رفتار و گفتار اسماء پس از مرگ پسرش حکایت می‌کند. مدتی که از مرگ عبدالله زیر گذشت، حجاج، حال اسماء را از مردم پرسید. به او گفتند که او هیچ شیون نکرد و تنها گفت: «اِنَّ اللَّهَ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اگر پسر من نه چنین کردی نه پسر زبیر و نسه بوبکر صدیق، رضی الله عنهما، بودی...» حجاج حیرت می‌برد و فریاد برمی‌آورد، «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ! اگر عایشه ام‌المؤمنین، رضی الله عنها، و این خواهر وی دو مرد بودندی هرگز این خلافت به بنی‌امیه نرسیدی» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۲۴۰). سپس حاکم بنی‌امیه نقشه‌ای می‌چیند تا گروهی از زنان، اسماء را به پای چوبه دار بردند. در پای دار، اسماء پسرش را شناخت اما فقط رو به یکی از زنان کرد و گفت: «گاه آن نیامد که این سوار را ازین اسب فرود آورند؟». (بیهقی، ۱۳۹۰: ۲۴۰)

مادر بونصر مشکان هم در صف زنان پارسا و خردمند جای دارد و این به واسطه کلمات حکیمانه‌ای است که ابوالفضل بیهقی از او در تاریخ بیهقی نقل کرده است: «هژدهم این ماه نامه رسید به گذشته شدن والده بونصر مشکان، و زنی عاقله بود، و از استادم شنودم که چون سلطان محمود حسنگ را وزارت داده و دشمن گرفته با چنان دوستی که او را داشت». مادر بونصر در دلداری به فرزندش چنین می‌گوید: «ای پسر، چون سلطان کسی را وزارت داد، اگر چه دوست دارد آن کس را، در هفته‌ای دشمن گیرد، از آن جهت که همباز او شود در مُلک و پادشاهی و در پادشاهی انبازی نتوان کرد» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۷۹). این گفتار، رابطهٔ علی و معلولی دشمنی شاهان با وزرایشان را معلوم می‌کند.

### ۳-۲. زنان توطئه‌گر و زنان وجه‌المصالحه و وجه‌المعامله یا تیپ رمانتیک محزون

در گروه بعدی، زنان توطئه‌گر و منفعت‌طلب و زنانی که وجه‌المصالحه قرار می‌گیرند، جای دارند که اگرچه این افراد، به ظاهر، هر یک خصوصیات برجسته متفاوتی دارند اما می‌توان همه آنها را در یک گروه قرار داد. خصوصیات این زنان با تیپ رمانتیک محزون مطابقت دارد. این افراد دارای خصوصیات بارزی چون افسردگی، گوشه‌گیری و دیدن نیمه خالی لیوان، هستند و به سرعت، عشق‌شان به نفرت تبدیل می‌شود. این افراد دوست دارند همیشه متمایز از بقیه افراد باشند و میل زیادی به صمیمیت اما بدون فداکاری، دارند. این تیپ همیشه در ارتباط با جنس مخالف با رقیبانشان رقابت می‌کنند و می‌ترسند کسی در نظر زوج‌شان جذاب‌تر از ایشان بیاید. تیپ چهارمی‌ها امور تاریک و ممنوع را دوست دارند. زنان ابوالحسن عراقی دبیر در این طبقه جای گرفته‌اند. این زنان شوهر خود را به علت سوء خلقی که دارد مسموم کرده و به قتل می‌رسانند و از این نظر کارشان در ردیف کارهای شیطانی و اهریمنی قرار می‌گیرد چراکه در نتیجه حس حسادت و داشتن رقیب جنسی دست به چنین عملی می‌زنند.

بیهقی دلیل کشته شدن عراقی را، سخت گیری و انتخاب همسر مطربه، می داند:

«و روز دوشنبه ششم شعبان بوالحسن دبیر گذشته شد، رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ. و چنان گفتند که زنان او را دارو دادند که زن مطربه مرغزی را به زنی کرده بود، و مرد سخت بدخو بود و باریک گیر، ندانم که حال چون باشد اما در آن هفته که گذشته شد و من به عیادت او رفته بودم، او را یافتم چون تاری موی گداخته و لکن سخت هوشیار، گفت و وصیت بکرد تا تابوتش به مشهد عَلِيٍّ مُوسَى الرَّضَا، رِضْوَانُ اللهِ عَلَيْهِ، بردند به توس و آن جا دفن کردند (بیهقی، ۱۳۹۰: ۸۷۰).

از زنانی نیز که تنها به علت مناسبت های سیاسی و به شکل وجه المصالحه به عقد سران درمی آیند، هیچ کنشی دیده نمی شود، فقط به لحاظ ذکر وقایع تاریخ، بیهقی به ضرورت از آنها نام می برد. از جمله این افراد می توان به حُرّه زینب (دختر محمود و زن بغراخان)، زنان امیر محمد (دختر قدرخان و دختران امیر یوسف)، زن والی گرگان (دختر سلطان محمود)، زن سلطان مسعود و مودود (دختران قدرخان)، زن امیراحمد بن محمد (دختر سلطان مسعود) اشاره نمود. این افراد تنها عقد می شوند، به غزنین آورده می شوند یا به گرگان فرستاده می شوند ولی هیچ رفتاری، کلامی یا کنشی از آنها صادر نمی شود. در حقیقت می توان این افراد را در شمار رمانتیک های محزون به شمار آورد که کاری جز اطاعت محض نمی دانند و اغلب افرادی گوشه گیر و افسرده هستند و هیچ تأثیری در اوضاع اجتماعی ندارند و بعد از ازدواج، محصور می شوند و تنها گوشه حرمسرا جایگاه آنها می باشد. هیجانات این تیپ به بی تفاوتی تبدیل می شود. شاید در بیرون آدم هایی با اعتماد به نفس دیده شوند، اما اعتماد به نفس پابینی دارند (دقیقیان، ۱۳۸۷: ۹۴). ازدواج این قبیل زنان تنها برپایه مصالح سیاسی است. از جمله مواردی که بیهقی به آن اشاره می کند می توان به موارد زیر اشاره نمود:

کنیزانی که بغراتگین در زمان حیات محمود به منظور مستحکم ساختن مناسبات دوستی و نشان دادن صمیمیت و علاقه این خاندان به غزنویان، هر ساله، برای سلطان محمود می فرستاد (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۰۲). دیگر از این نوع زنان که در کتاب بیهقی ذکری از آنان رفته «حرّه کالجی» دختر سبکتکین و خواهر سلطان محمود است، که به همسری امیر ابوالعباس خوارزمشاه در آمد.

نمونه دیگر، دو دختر امیر یوسف، برادر محمود، است که یکی بزرگ شده و به ثمر رسیده و دیگری هنوز خردسال بود. سلطان محمود در زمان حیات، دختر بزرگ را برای امیر محمد در نظر گرفت و آن دیگری را برای مسعود؛ تا پس از آن که به سن رشد رسید به همسری وی در آید. مراسم عروسی محمد انجام گرفت، جشنی مفصل به پا شد. بیهقی این موضوع را چنین بیان کرده: پس از آن که سلطان محمود

رفت، «سرای به داماد، و حرّات ماندند و از قضاء آمده عروس را تب گرفت، و نماز خفتن مهد آوردند و رود غزنین پر شد از زنان محتشمان و بسیار شمع و مشعل افروختند تا عروس را ببرند و به کوشک شاه، بیچاره جهان نادیده، آراسته در زر و زیور و جواهر نشسته، فرمان یافت و آن کار همه تباه شد». (بیهقی، ۱۳۹۰: ۳۹۹)، سلطان محمود که از این موضوع سخت ناراحت و غمگین گشته بود، دستور داد تا آن خواهر دیگر را که نامزد مسعود بود، به محمد بدهند و چون بچه بود، بگذارند تا بزرگ شود، و سپس عروسی انجام گیرد.

دیگر نمونه این تیپ، دختر قدرخان، خاقان ترک است که به همسری سلطان مسعود درآمد. مسعود با گرفتاری‌های فراوانی که داشت، مایل بود برای رفع این گرفتاری‌ها، با ایلک خانیان در حال صلح به سر برد تا با آسودگی خیال، از جانب همسایگان شمال شرقی، به دفع شورش‌ها و ناآرامی‌ها بپردازد. از این جهت، برای استحکام بخشیدن به مناسبات دوستی و صلح، دختر قدرخان را برای خود و دختر پسرش (بغراتگین) را، برای پسرش، مودود، که جانشین وی نیز بود، خواستگاری کرده و رسولی به نزد خاقان ترک فرستاد و به رسول چنین دستور داد: «پس از عهد، بگویی خان را، که چون کار بدین نیکویی برفت، و برکات این، اعقاب را خواهد بود، ما را رأی افتاده است، که تا از جانب خان، دو وصلت باشد، یکی به نام ما و یکی به نام فرزند ما ابوالفتح مودود، دام تأییده، که مهتر فرزندان ماست، و بعد از ما ولی عهد ما، در ملک، وی خواهد بود. آن ودیعت که به نام ما نامزد کنند، از فرزندان و سرپوشیدگان کرائم باید که باشد، از آن خان. و دیگر ودیعت، از فرزندان امیر، فرزند بغراتگین، که ولی عهد است. اما؛ چنان باید که این دو کریمه، از خاتونان باشند، کریم‌الطرفین... مقرر گردد چون ما را بدین اجابت کند، بدانچه او التماس کند اجابت تمام فرماییم. تا این دوستی چنان مؤکد گردد، که زمان را در گشادن آن هیچ تأثیر ننماید» (بیهقی، ۱۳۸۴: ۲۱۴).

#### ۴-۳-۲. زنان تیپ کمک کننده

در تاریخ بیهقی از زنانی نام برده می‌شود که وارد صحنه‌های نبرد می‌شوند و مانند مردان به کارزار می‌پردازند. این افراد بر اساس طبقه‌بندی انیه گرام در تیپ کمک‌دهنده قرار می‌گیرند. افراد این تیپ می‌خواهند مأوا و پناه همه باشند. شخصیتی چند وجهی دارند و حامی‌اند. بیهقی از زنانی نیشابوری نام می‌برد که در جنگ بین شهرهای نیشابور و توس به سال ۴۱۳ ه.ق علیه مردان توس جنگیدند که در آن «پنج و شش زن بیست و اند مرد را از طوسیان پیش کرده بودند و سیلی می‌زدند». (بیهقی، ۱۳۹۰: ۶۵۳) بیهقی از زنان شرکت کننده در جنگ، یاد می‌کند که گفتارشان سربازان قراخانی را برای جنگ علیه



غزنویان برمی‌انگیخت: «قراخانیان در همه جنگ‌ها بتر آمدند و در خط می‌شدند از دشنام‌های زشت که زنان سگریان می‌دادند». (بیهقی، ۱۳۹۰: ۶۸۹) برخی از این زنان کسانی هستند که برای دربار جاسوسی می‌کنند و انفاس خداوندان خود را می‌شمرند و آنها می‌کنند. از جمله آنها می‌توان به دختر ابوالفضل بستنی اشاره نمود که با جاسوسی نادرست خود، زمینه فرار صاحب الجیش آسیغکتین (اسفتکین) غازی را از دست سلطان مسعود فراهم آورد. این زن در نابودی آسیغکتین به دست پدریان نقش بسیار مؤثری داشت (ر.ک: موسوی، ۱۳۷۸: ۵۶-۵۷).

### ۵-۳-۲. زنان تیپ مشاهده‌گر و فکور

گروه دیگر از زنان، زنان مشاهده‌گر و فکور هستند که سنی زرین مطربه و عندلیب جزء این گروه می‌باشند. این افراد حوادث دربار را به تمام جزئیات می‌بینند و آماده دریافت هر واقعه‌ای هستند. این افراد مبادی آداب، دارای فکر مستقل، مشاهده‌گر، عاشق کندوکاو و دریافت‌کننده‌های قوی در زندگی‌اند. این افراد بعضی از وقایع دربار را به چشم خود و از نزدیک مشاهده کرده‌اند و آنها را برای مورخانی چون ابوالفضل بیهقی که نیازمند سند معتبر برای روایتش است، بیان می‌کنند. این روایت‌ها در هر زمینه‌ای که باشد و مربوط به هر کسی که باشد (در صورت برخورداری از مسائل سیاسی و فرهنگی و تاریخی) از ارزش و اهمیت برخوردار است، چراکه راوی به چشم خویش، قضیه را دیده و از جمله حاضران در دربار بوده است و بیهقی که به درستی و سندیت گفته‌هایش اهمیت می‌داد بخشی از اتفاقات درون دربار را از قول ایشان نقل می‌کند. بیهقی در توصیف مشاهده‌گری و نقل اتفاقات درون حرمسرا، از زبان سنی زرین مطربه می‌گوید: «من که بوالفضلم از سنی زرین مطربه شنودم و این زن سخت نزدیک بود به سلطان مسعود، چنان که چون حاجبه‌ای شد فرود سرای و پیغام‌ها دادی سلطان او را به سرایان در هر بابی. می‌گفت که دختر تختی داشت گفتمی بوستانی بود» (بیهقی، ۱۳۸۴: ۶۲۴).

باز در جایی دیگر بیهقی در توصیف حرمسرا برای دختر خان ترکستان از زبان همین مطربه و عندلیب مطربه می‌گوید: «سنی زرین و عندلیب مرا حکایت کردند که کوشک را چنان بیاراسته بودند که به هیچ روزگار امیر آن تکلف نکرده بود و نفرموده، و در آن وقت همه جواهر و آلت ملک بر جای بود» (بیهقی، ۱۳۸۴: ۶۵۱). باید توجه داشت که در این نمونه‌ها، مشاهده‌گری سنی زرین و انتقال مطالب از طریق او به بیهقی مورد نظر است.

### ۶-۳-۲. زنان فریب‌خورده

گروهی دیگر از زنان که در تاریخ بیهقی مطرح شده‌اند، زنانی فریب‌خورده هستند. این افراد در هیچ

یک از تیپ‌های نه گانه انیه گرام نمی‌گنجد و شاید بتوان آن را یکی از موارد ضعف این طبقه‌بندی به شمار آورد. از جمله زنان فریب‌خورده در تاریخ بیهقی می‌توان به زن حسن مهران اشاره کرد که در توطئه بر علیه آسیختگین (اسفتکین) غازی، سپهسالار غزنویان، نقش مهمی را ایفا نمود. غازی کسی است که به تازگی به فرمان مسعود به قدرت رسیده است. وی مورد رشک و تحقیر محمودیان قرار می‌گیرد که او را ترکی نوکیسه به حساب می‌آورند. از این رو، علیه او دسیسه می‌چینند و یکی از کنیزان غازی را می‌فریبند تا به آنها در این دسیسه کمک کند. محمودیان، مادرخوانده این کنیزک را می‌فریبند به طوری که باور می‌کند سلطان مسعود، قصد دستگیری و زندانی کردن غازی را دارد، چرا که به وفاداری غازی مشکوک شده است. مادرخوانده ماجرا را برای کنیزک تعریف می‌کند و کنیزک نیز به نوبه خود خبر را به غازی می‌رساند. او از ترس بدبینی مسعود، از دربار غزنویان، ابتدا به طرف ماوراءالنهر و سپس به خراسان می‌گریزد ولی در برابر فرستادگان پدریان، شکست می‌خورد و زخمی و اسیر می‌شود. دلجویی مسعود از او جای خود را به انتقام بدنام شدن می‌دهد و او کشته سیاست زورمدار غزنوی می‌گردد.

### ۳. نتیجه‌گیری

گرایش ادبی بیهقی اثرش را دارای وجوه ادبی و تاریخی، هر دو کرده است. اما؛ بیهقی به دلیل حضور در دربار، در نوشتن تاریخش، بیشتر از مردم به بیان احوال دربار و درباریان پرداخته و از گزارش همه جانبه در مورد مردم و زنان که نیمی از مردم هستند، خودداری ورزیده است. اما؛ در تاریخش از زنانی با تیپ‌های مختلف سخن گفته که به نحوی با دربار و حاکمان مرتبط بوده‌اند. بر اساس دیدگاه انیه گرام مشخص شد که تیپ رییس و تیپ پارسای خردمند و شجاع بیش از دیگر تیپ‌ها مورد توجه بیهقی بودن و گویا او زن آرمانی خود را در وجود زنانی همچون مادر حسنک، مادر عبدالله زبیر، جدۀ عبدالغفار، مادر بونصر مشکان دیده و کارکرد سیاسی عمۀ مسعود، حرّه ختلی را، بسیار مهم و موثر در جریان حکومت زور و استیلا یافته است. مختصر و مفید بودن تاریخ بیهقی هم دلیلی بر عدم حضور تیپ‌هایی چون خوشگذران و بازیگر در آن است. همین تاریخی بودن و طرح روابط علی و معلولی و ایجاز سبب شده است که طرح شخصیت زنان کمتر با توصیف‌های کامل، گفتگوهای تعیین‌کننده، تک گویی‌هایی برملاکننده هویت، لحن‌ها و گفتارگذاری‌های گوناگون از ایشان باشد هر چند که جسته و گریخته برای فضاسازی، توصیف زمان و مکان مرتبط با زنان و طرح علل موضوع و داستان‌های فرعی زنان، تا حدودی همت گماشته است. توصیف مجالس جشن و عروسی زنان وجه‌المصالحه یا تیپ رماتیک محزون به دلیل حضور مسعود یا دیگر ارکان حکومتی اغلب با گزارش‌هایی از ریخت و پاش غزنویان انجام گرفته

است.

## منابع و مآخذ

- آهنگر، کتابون (۱۳۸۵). *مهارت‌های تیپ‌شناسی*. تهران: شهیدی‌پور.
- ادیبی، حسین؛ انصاری، عبدالمعبود (۱۳۷۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: دانژه.
- امیرسلیمانی، سهیلا؛ قوجلو، فرزانه (۱۳۹۰). *زنان در تاریخ بیهقی*. *ادبیات و زبان‌ها، بخارا*، شماره ۸۳، ۱۰۳-۱۲۱.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*. تهران: افراز.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *تاریخ بیهقی*، به اهتمام خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب.
- پارسا، احمد؛ مرادی، اقبال (بهار ۱۳۹۲). *تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی صادق هدایت با تأکید بر طبقه‌بندی اینه گرام*، مطالعات داستانی، سال اول، شماره ۳: ۷۹-۹۱.
- خدییور، هادی؛ انصافی سرور، راحله (تابستان ۱۳۸۹). *چهره زن در اسطوره و تاریخ، دهخدا*، دوره ۲، شماره ۴، ۳۷-۷۴.
- دقیقیان، پروین (۱۳۸۷). *روانشناسی تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه*، تهران: آشیانه کتاب.
- رضایی، بیتا، و همکاران (بهار ۱۳۹۶). *تحلیل روانشناختی تیپ شخصیتی «پادشاه» در داستان پادشاه و کنیزک مثنوی بر مبنای الگوی اناگرام*، متن پژوهی ادبی، شماره ۷۱: ۱۶۹-۱۹۲.
- سپهریان آذر، فیروزه؛ قلاوندی، حسن (۱۳۹۰). *تأثیر آموزش‌های تیپ‌شناسی شخصیت اینه گرام بر کاهش تعارضات زناشویی*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. سال اول، شماره ۲، ۱۵۸-۱۶۷.
- سپهریان، فیروزه (پاییز ۱۳۸۹). *ساخت مقدماتی آزمون تیپ‌های شخصیتی اینه گرام*، اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۳: ۱۳۴-۱۲۱.
- سیف، عبدالرضا؛ بابایی مونا؛ زرهانی، زینب (۱۳۸۹). *بررسی جایگاه زن در تاریخ بیهقی و مقایسه آن با برخی از کتب منشور، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*، دوره دوم، شماره ۱، ۷۹-۹۸.
- عابدی، محمدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). *غلبه تیپ مذهبی مزور، نمودی از فهم ناروا از دین در رمان اجتماعی (با تامل در نمونه‌های برجسته)*، زبان و ادب فارسی، شماره ۲۳۲: ۱۰۹-۱۳۱.
- کهدویی، محمدکاظم؛ حسینی، رقیه (۱۳۸۹). *نگرشی به شخصیت زن در تاریخ بیهقی و جهان‌گشای جونی، تحقیقات تمثیلی در زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۶-۱۶۴.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۸). *ادبیات داستانی*، تهران: امیرکبیر.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۵۵). *هنر داستان‌نویسی*، تهران: امیرکبیر.

## Sources and references

Adibi, Hossein, Ansari, Abdul Maboud (1373). *theories of sociology*, Tehran: Danje.

- Amir Soleimani, Soheila; Qojolu, Farzaneh (2013). Women in Beyhaqi History, Literature and Languages, *Bukhara*, No. 83: 103-121.
- Ahangar, Katayoun (2005). *tipology skills*, Tehran: Shahidipour.
- Biniyaz, Fethullah (1387). *an introduction to story writing and narratology*, Tehran: Afraz.
- Beyhaqi, Abolfazl (2010). *History of Beyhaqi*, by Khalil Khatib Rahbar, Tehran: Mahtab.
- Khadivar, Hadi, Insafi Sarwar, Rahela (Summer 2018). The Face of a Woman in Mythology and History, *Dekhoda*, Volume 2, Number 4: 37-74.
- Prine Laurence. (1974). *Literature*. Harcourt Brace Javanovich. New York. Vol 1. P 67.
- Dagigian, Parvin (1387). *Psychology of Nine Personality Types*, Tehran: Ashianeh Kitab.
- Sepahrian Azar, Firouzeh, Qalavandi, Hassan (2010). the effect of Enyegram personality typology training on reducing marital conflicts. *Family counseling and psychotherapy quarterly*. first year. Number 2: 167-158.
- Saif, Abdolreza, Babaei, Mona, Zerhani, Zainab (2009). examining the position of women in Beyhaqi history and comparing it with some prose books, *Women in Culture and Art* (Women's Research), second volume, number 1: 79-98.
- KahdUi, Mohammad Kazem, Hosseini, Roqiyeh (2009). an attitude towards the character of women in the history of Beyhaqi and Jahanshai Jovini, *allegorical research in Persian language and literature*, volume 2, number 4: 136-164.
- Mirsadeghi, Jamal (1388). *Fiction*, Tehran: Amirkabir.
- Yonsi, Ebrahim (1355). *The Art of Story Writing*, Tehran: Amirkabir.  
(In persian)